جرعه‌های معرفت

شرح حدیث معصومین(ع) در کلام رهبر انقلاب

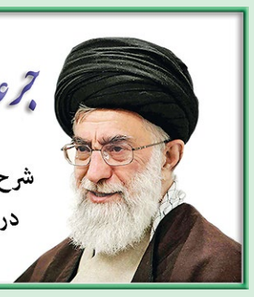

فواید ارتباط با عالمان، حکیمان و فقیران

عن امیرالمومنین(ع) عن رسول‌الله (صلی‌الله علیه‌وآله) انه قال: سائلوا العلماء و خالطوا الحکماء و جالسوا الفقراء.

«امیرالمومنین (ع) از قول پیامبراکرم (ص) نقل می‌کنند که فرمود: از دانشمندان بپرسید و با فرزانگان نشست و برخاست داشته باشید و با فقیران همنشینی کنید.»[1]

* * *

- سائلوا العلماء؛

[امیرالمومنین(ع) از قول پیامبراکرم (ص) می‌فرماید:] بپرسید مسائله کنید با دانشمندان؛ آنچه را در چنته علمی دانشمند هست، با سوال استخراج کنید؛ برای خودتان آن را کسب کنید و این جز با سوال ممکن نیست. پس یکی از کارهایی که خوب است در برنامه یک انسان قرار داشته باشد، این است که هر جا به عالمی رسید- هر علمی از او بپرسد؛ به خصوص جوان‌ها که یادشان می‌ماند، یک کلمه‌ای انسان از یک عالمی در یک بخشی می‌شنود، سال‌های متمادی در ذهن انسان هست، بعد معلومات مشابهش به آن منضم می‌شود، می‌بینید مبدا و منشأ تحقیق و فهم و فحص و مانند این‌ها می‌شود برای یک انسان. این یکی از کارهای اساسی است.

- وَ خالطوا الحکماء؛

حکما یعنی فرزانگان، دانایان. بین این و عالم، «عموم و خصوص من وجه.»[2] است؛ ای بسا عالمی که فرزانه نیست، فرزانگی را ندارد، مثل عوام الناس می‌ماند، فقط یک مقدار معلومات پیدا کرده؛ و ای بسا فرزانه‌ای که درس معمولی و متعارف نخوانده- که کتابی بخواند و علم به این معنا پیدا کند اما فرزانه است، مسائل را می‌فهمد، درک می‌کند در مسائل عمق پیدا می‌کند انسان می‌بیند گاهی آدم‌هایی را که به حسب ظاهر عامی هم هستند اما وقتی که راجع به یک مطلبی حرف می‌زنند، سنجیده، فهمیده، فرزانه‌گون [حرف می‌زنند]. مخالطه شما، نشست و برخاست شما با فرزانگان باشد؛ انسان‌های فرزانه به انسان می‌آموزند.

- و جالسوا الفقراء؛

همنشینی بکنید با فقیران؛ یعنی این را هم جزو برنامه قرار بدهید. هر که هستید، هر چه هستید، یکی از برنامه‌هایتان این باشد که با فقیر جماعت همنشینی کنید؛ این خیلی فواید دارد. اولین فایده‌اش برای شما است که همنشینی می‌کنید؛ همنشینی با فقیران، آن حالت شح نفس انسانی را، آن حرص و طمع و بخل را- که همیشه انسان می‌خواهد به دست بیاورد - تا حدودی زیادی در انسان فرو می‌نشاند، و الا انسان وقتی که روی غلتک زندگی مرفه افتاد، دیگر نگه‌داشتن و متوقف کردنش از درون انسان خیلی کار سختی است؛ همین‌طور بی‌مهار می‌رود، هر چه هم شیب تندتر می‌شود و انسان پیشتر می‌رود، سرعت بیشتر می‌شود؛ گاهی انسان بی‌مهار می‌شود. وقتی انسان با فقرا نشست، این حالت یک مقداری متوقف می‌شود واقعیت‌ها را می‌بیند. حالا آنهایی که خودشان جزو فقرایند که طبیعی است متن زندگی‌شان این است، اما از جمله کارهای آن کسانی که جزو فقرا نیستند و از طبقات مرفه یا به شدت مرفه جامعه هستند، این باشد که بنشینید با آدم‌های تهیدست که خیال نکنید که حالا زندگی مرفه، همانی است که باید باشد؛ نه، ببینید انسان‌هایی هم هستند که از این زندگی محرومند.

* شرح حدیث در ابتدای درس خارج، ۱۳۸۴/۳/۳
به نقل از کتاب نسیم سحر

۱- نوادر راوندی ص ۱۵۵
۲- ویژگی دو مفهوم که هر یک فقط بر بعضی از افراد مفهوم دیگر صدق کند مانند چوب و صندلی؛ بعضی چوب‌ها صندلی هستند و بعضی صندلی‌ها چوبند.

با خورشید انقلاب
(خاطراتی از رهبر معظم انقلاب)

بر سلطه یا با سلطه؟

در سال‌های اول انقلاب که شور و هیجان و جوشش عجیبی وجود داشت، با یکی از این شعرای سابق صحبت می‌کردم. او حقاً آدم بی‌ارزشی بود و ثابت کرد که از لحاظ ارزش‌های انسانی و اجتماعی و معنوی و تاریخی، واقعاً بی‌ارزش است. افرادی همچون او، نه پس از پیروزی انقلاب، که در دوران مبارزات مردم هم نشان دادند که خیلی سبک و کم‌وزن هستند؛ هرچند طبع شعرشان بعضاً خوب بود. من به او گفتم: الان واقعاً انتظار مردم و انقلاب و کشور از شما، این است. او به من گفت: ما فکر می‌کنیم که شاعر بایستی بر سلطه باشد، نه با سلطه! این، معیاری شده بود که باید بر سلطه بود، نه با سلطه. یعنی اگر پیامبر(ص) یا امیرالمؤمنین(ع) هم در رأس کار بودند، آدم باید به آنها بد بگوید؛ چون باید بر سلطه بود، نه با سلطه! خود این معیار، نشان‌دهنده بیماری و عدم سلامت شخص است. من به او گفتم:اشکالی ندارد، شما بر سلطه باش. امروز ملت ایران، مجموعه مستضعفی هستند که با سلطه‌های ظالم جهانی دارند می‌جنگند. سال‌ها به ما زور گفتند، قرن‌ها به ما ستم کردند. بعد از قرن‌ها، این ملت سری بلند کرده‌اند و با فداکاری و با خطر کردن، راهی را انتخاب کرده‌اند و دارند می‌روند؛ اما نمی‌گذارند، اذیت می‌کنند، روی مردم فشار وارد می‌آورند، واقعاً نامردمی می‌کنند و قوانین انسانی را زیر پا می‌گذارند. به او گفتم: این سلطه است؛ با این سلطه بجنگ. البته معلوم بود که آماده نیستند و نمی‌خواهند چنین کاری را بکنند؛ به‌خاطر اینکه هیچ وقت با مردم همدلی نداشتند. این آقایانی که در آن دوران اختناق، داعیه مبارزه فرهنگی داشتند، غالباً اهل مبارزه نبودند. ادعایشان یک دروغ و یک فریب بود، وسایل فریب هم آن روز در اینجا فراهم بود،بعد هم همین طور ادامه پیدا کرد.

*** بیانات رهبر انقلاب در دیدار با شعرای سازمان تبلیغات اسلامی، ۶۹/۱/ ۳۱.**

استفتاء
از رهبر معظم انقلاب اسلامی

قرائت سوره‌های سجده‌دار در نماز

س) آیا قرائت سوره‌ای که آیه سجده دارد، در نماز جایز است؟

ج) در نماز واجب جایز نیست ولی در نماز مستحبی اشکال ندارد.

جدا شدن از نماز جماعت

س) آیا جایز است در نماز جماعت نمازگزار وسط نماز، نیت فرادا کند تا نماز اولش را سریع تمام کند و نماز دومش را هم اقتدا کند؟

ج) اشکال ندارد اما احتیاط مستحب این است که بدون ضرورت از نماز جماعت به فرادا عدول نکند.

کسر قیمت در ازای کسر مدت

س) جنسی را نسیه برای دو ماه بعد فروختم، آیا می‌توانم در صورت رضایتِ خریدار درصدی از مبلغ را کم کنم و طلبم را زودتر بگیرم؟

ج) اشکال ندارد.

به‌صورت جدی مطرح بوده و هست این است که علل و عوامل خشونت‌های فراگیر کنونی چیست و چه زمینه‌هایی به آن دامن می‌زند؟ یقینا خشونت پدیده‌ای تک عاملی نیست و عوامل و علل و زمینه‌های گوناگونی در بروز، تداوم و گسترش آن دخالت دارند.

برخی از نویسندگان مغرض می‌کوشند تا با بهانه قرار دادن برخی از خشونت‌هایی که با بهانه دین و از سوی به ظاهر دینداران صورت می‌گیرد، دین را عامل اصلی یا مهم‌ترین عامل خشونت در زندگی بشر قرار دهند. در نوشتار حاضر به این تبیین معلّل و نامقبول پاسخ خواهیم داد.

دین، عامل خشونت نیست

درباره نسبت خشونت و دین گفتنی است دین لزوما عامل خشونت نیست و هر خشونتی هم دینی نیست. ممکن است برخی از دینداران با فهم غلط از دین به خشونت‌های غیرمنطقی دست بزنند و یا به علل غیردینی رفتارهای خشنی از خود نشان دهند، اما این هرگز بدان معنا نیست که دین نیز با هرخشونتی به‌صورت کلی موافق است. خشونت از نگاه دین به دو قسم منطقی (اضطراری) و غیرمنطقی تقسیم می‌شود. آموزه بنیادین اسلام در حوزه روابط اجتماعی این است که «انسان به‌عنوان انسان، دارای کرامت ذاتی و احترام است»: «وَ لَقَدْ کَرَّمْنا بَنی آدَمَ. ..».[1] ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم...». دین نخستین عامل کرامت معنوی اخروی است، اما هرگز عاملی برای ستم به انسان‌ها و بی‌اعتبار کردن کرامت ذاتی آنها نیست. از این رو دین هرگز نمی‌تواند دلیلی برای خشونت علیه دیگر انسان‌ها قرار گیرد. امام امیرالمومنین علی(ع) به مالک بن‌اشتر نوشت: «و لا تکونن علیهم سبعا ضاریا تغتنم اکلهم؛ فانهم امّا اخ لک فی الدین و امّا نظیر لک فی الخلق!»[2]، «بر مردم همچون درنده‌ای آسیب‌زننده مباش که خوردن آنان را غنیمت شمری! زیرا مردمان یا برادر دینی تواند و یا نظیر تو در انسانیت!». اسلام همواره بر مدارا و زندگی مسالمت‌آمیز با دیگران (اعم از مسیحی، یهودی و حتی مشرکان) تأکید کرده است. آری! با ظالم و تجاوزگر مدارا نمی‌کند و قاطعانه فرمان می‌دهد که ستم و تجاوز را بکوبید و در جای خود فرونشانید. اسلام در مبارزه با ظلم و تجاوز مرز نمی‌شناسد و به سرکوب گروه ظالم، چه مسلمان و چه غیرمسلمان، فرمان می‌دهد. البته اصل را سلم و صلح می‌داند و تأکید می‌کند که اگر تجاوزکاران خواستار پیمان آتش‌بس و صلح شدند و بر پیمان خود وفادار بودند نباید با آنها بجنگید![3]

هر خشونتی، دینی نیست

نکته مهم دیگر این است که هرخشونتی هم لزوما دینی نیست. اساساً خشونت‌بارترین جنگ‌های تاریخ بشریت، خشونت‌هایی است که در قرن بیستم و با هویت غیردینی واقع شده است. بانیان جنگ‌های اول و دوم جهانی اصلا دغدغه دین و دینداری نداشتند. خاستگاه این جنگ‌های ویرانگر، خودکامگی‌های فردی یا جمعی و قدرت‌طلبی برخی از کشورهای اروپایی است که اتفاقا از لحاظ سطح دینداری بسیار ضعیف و در رتبه پایین از لحاظ تدین قرار دارند. نتیجه این جنگ‌ها، بیش از هفتاد میلیون کشته بود. این تعداد، فقط میزان کشته‌ها را بیان می‌کند. تعداد مجروحان جنگی و آوارگان و اسیران و... به مراتب بیش از این مقدار است. همان‌طور که مشاهده می‌کنید، جنگ و خشونت و کشتار، صرفا معلول دین یا تفسیرهای دینی نیست؛ بلکه بسیاری از خشونت‌ها ریشه در غرایز حیوانی یا برخاسته از تفکرات غلط مکاتب سکولار بوده و هست.

امام امیرالمومنین علی(ع) به مالک بن‌اشتر نوشت: «بر مردم همچون درنده‌ای آسیب زننده مباش که خوردن آنان را غنیمت شمری! زیرا مردمان یا برادر دینی تواند و یا نظیر تو در انسانیت!».

****

اسلام همواره بر مدارا و زندگی مسالمت‌آمیز با دیگران (اعم از مسیحی، یهودی و حتی مشرکان) تأکید کرده است، اما با ظالم و تجاوزگر مدارا نمی‌کند و قاطعانه فرمان می‌دهد که ستم و تجاوز را بکوبید و در جای خود فرونشانید. اسلام در مبارزه با ظلم و تجاوز مرز نمی‌شناسد و به سرکوب گروه ظالم، چه مسلمان و چه غیرمسلمان، فرمان می‌دهد.

نسبت دین و خشونت

ظرفیت بزرگ ادیان آسمانی برای از بین بردن خشونت

البته باید تأکید کنیم که هدف ما انکار خشونت‌های جمعی و بین‌المللی با انگیزه‌های دینی نیست و چنین خشونت‌هایی در گذشته و حال وجود داشته و دارد. اما سخن این است که آیا دین به چنان خشونت‌هایی فرمان داده است یا کسانی به نام دین به چنان خشونت‌هایی دست زده‌اند؟ آیا رهایی از دین عامل کاهش خشونت‌ها می‌شود؟ یقینا پاسخ چنین سؤالی منفی است؛ زیرا همواره دینداری به خشونت نمی‌انجامد و هر بی‌دینی هم عاری مستلزم از خشونت نیست. ادیان آسمانی ظرفیت‌های زیادی برای از میان‌بردن زمینه‌های فردی و اجتماعی خشونت و زمینه‌سازی و تقویت انگیزه بخشش و مهربانی دارند. مفاهیمی‌چون کرامت ذاتی انسان‌ها و دیگر مفاهیم و آموزه‌های اخلاقی دین می‌تواند بر خشونت‌های ناموجه غلبه کند.

کنار نهادن دین، نه تنها راهگشا نیست، بلکه از نهیلیسم (پوچ‌گرایی) و فروریختن ارزش‌های انسانی سر در می‌آورد و به نتایج مخرب‌تری می‌انجامد.[4]

نیچه که با توجه به عاقبت نهیلیستی فرهنگ غرب، این نتیجه خوفناک را به خوبی تقریر کرده است: «نیک» چیزی نیست جز «آنچه حس قدرت را تشدید می‌کند، اراده به قدرت و خود قدرت را در انسان»؛ و «بد» چیزی نیست جز «آنچه از ناتوانی می‌زاید»؛ و «نیکبختی» نیز چیزی نیست جز «احساس اینکه قدرت افزایش می‌یابد- احساس چیره شدن بر مانعی»؛ اینک آنچه اهمیت دارد «نه خرسندی، بل قدرت بیشتر، به هیچ رو نه صلح بل جنگ، نه فضیلت، بلکه زبردستی...! ناتوانان و ناتندرستان، باید نابود شوند: این است نخستین اصل بشردوستی ما!»[5] به‌نظر می‌رسد بهترین راهکار برای برقراری صلح جهانی و گسترش آرامش و کمال عمومی تکیه بر ارزش‌های الهی (همچون کرامت ذاتی و لزوم مدارا با دیگران و غیره) است که از تفسیرهای خشونت زا از دین مانع می‌شود. تفسیر جامع از آموزه‌های دینی و هرچیز را در جای خود نشاندن، کمک می‌کند که مفاهیم مهربانی، بخشش و مدارا را در کنار مفاهیم جهاد، دفاع و اقتدار بهتر بفهمیم.

بهترین راهکار برای برقراری صلح جهانی و گسترش آرامش و کمال عمومی ،تکیه بر ارزش‌های الهی (همچون کرامت ذاتی و لزوم مدارا با دیگران و غیره) است که از تفسیرهای خشونت‌زا از دین مانع می‌شود. تفسیر جامع از آموزه‌های دینی و هرچیز را در جای خود نشاندن، کمک می‌کند که مفاهیم مهربانی، بخشش و مدارا را در کنار مفاهیم جهاد، دفاع و اقتدار بهتر بفهمیم.

بنابراین، خداباوری رایج در مسیحیت در تقابل با عقل و مورد بدگمانی فیلسوفان عصر روشنگری قرار گرفت؛ به‌گونه‌ای که اساساً هر دینی (نه فقط مسیحیت در آن برهه تاریخی خاص) بلکه هردینی را عامل خشونت و مانع پیشرفت تلقی کردند.

آنها باور کردند که تنها نسخه عقلانی از دین، که همان دین طبیعی است، قابل دفاع و سودمند است. پرسش اینجا است که آیا دین اسلام نیز دین عقل‌ستیزی است؟! اگر دین اسلام دین عقل‌ستیزی بود و یا از آموزه‌های عقل ستیز استفاده می‌کرد، هیچ‌گاه به عقلانیت[6] و تفکر[7] و تدبر[8] دعوت نمی‌کرد و یا عقل را حجتی در کنار بخشش و مدارا را در کنار مفاهیم جهاد، دفاع و اقتدار بهتر بفهمیم.

اسلام، دین عقلانیت

نکته دیگر این است که نقدهای متفکران غربی نسبت به دین، عمدتاً ناظر به دین مسیحیت است که بر تناقض تثلیث استوار شده است! در واقع، محققان و فیلسوفان عصر روشنگری، با به کار بستن عقل خودبنیاد و مستقل از وحی بدین نتیجه رهنمون شدند که به هیچ وجه، آموزه‌هایی از قبیل تثلیث، قابل دفاع نیست. به همین جهت رویکرد مشترک نقادی را پیشه کردند، با این تفاوت که برخی منکر وجود خداوند شدند و برخی شکاک و برخی خداباور؛ آنهایی که خداباور شدند گفتند خدای ما از خدای مسیحیت کلیسایی متفاوت است.

آموزه بنیادین اسلام در حوزه روابط اجتماعی این است که انسان به‌عنوان انسان، دارای کرامت ذاتی و احترام است. دین نخستین عامل کرامت معنوی اخروی است، اما هرگز عاملی برای ستم به انسان‌ها و بی‌اعتبار کردن کرامت ذاتی آنها نیست. از این رو دین هرگز نمی‌تواند دلیلی برای خشونت علیه دیگر انسان‌ها قرار گیرد.

بنابراین اگر انسان بتواند از محبت شهوانی و آزمندانه به این امور یعنی زن و فرزند و مال رهایی یابد و عاقلانه و خردمندانه رفتار کند، همین ابزارهای آزمایش و زیور و زینت زندگی دنیا برای انسان باقیات صالحات و ابزار سعادت و خوشبختی ابدی می‌شود.

پس تنها کاری که باید انسان انجام دهد، رهایی از محبت شهوانی است؛ نه اصل محبت. در این صورت است که وقتی به او می‌گویند فرزند را برای مبارزه و جهاد بفرست می‌فرستد و از زر و سیم به محرومان و سائلان و نیازمندان می‌دهد و در کارهای خیر و انفاق و زکات و خمس هزینه می‌کند.

حسین صدرایی

۱.اسراء: ۷۰.
۲. نهج‌البلاغه، نامه ۵۳.
۳. توبه: ۱- ۵.
۴. فردریش نیچه، اراده معطوف به قدرت، ترجمه: محمدباقر هوشیار، چاپ ششم، نشر فرزان، صص ۵۷- ۶۵.
۵. همو، دجال، ترجمه: عبدالعلی دستغیب، انتشارات آگاه، صص ۲۶- ۲۷.
۶. بقره: ۱۶۴.
۷. بقره: ۲۱۹ و ۲۶۶.
۸. نساء: ۸۲.
۹. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، انتشارات موسسه الوفاء، ج۷۸، ص ۳۰۰.
۱۰. البته این‌طور نیست که تنها دلیل مقابله آنها با دینداری و خداباوری، آموزه‌های عقل ستیز مسیحیت بود بلکه عوامل دیگری نیز نقش داشت، اما تأکید بر مسیحیت از این جهت است که نمایانگر مواجهه اولیه روشنفکران سکولار با دین است که نوعی بدبینی به دین را رقم می‌زند(برای مطالعه بیشتر، رک: کاپلستون، فردریک، تاریخ فلسفه غرب، انتشارات علمی فرهنگی، جلدهای۴-۹. در این دوره فلسفی، تقابل عقل و دین در حوزه فکری مسیحیت و فلسفه غربی به خوبی روشن می‌شود).
۱۱. جان کاپوتو، چگونه کیرکگارد بخوانیم، ترجمه: صالح نجفی، انتشارات رخ‌داد نو، صص ۱۳۳-۱۴۴؛ سوزان لی اندرسون، فلسفه کیرکگارد، ترجمه: خشایار دیهیمی، انتشارات طرح نو، صص۶۲- ۶۳.

زن ، فرزند و مال
عوامل سعادت یا بدبختی

پرسش اساسی مومنان این است که چگونه به همه چیز از نیکی‌ها و حسنات و خیرات در دنیا و آخرت برسیم و سعادت دنیا و آخرت را همراه هم داشته باشیم ،چنانکه خداوند در قرآن بیان می‌کند: رَبَّنَا آتِنَا فِی‌الدُّنْیَا حَسَنَةً وَ فِی‌الآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ؛ و از آنان کسانی‌اند که گویند: پروردگارا، ما را در این جهان نیکویی- نعمت- ده و در آن جهان نیز نیکویی بخش و ما را از عذاب آتش دوزخ نگاه دار. (بقره، آیه ۲۰۱)

در پاسخ باید گفت: بر اساس آیات قرآن اگر کسی دنیا دوستی و دلبستگی به دنیا را از خود دور کند، می‌تواند به همه آنها دست یابد؛ بویژه اگر چند چیز را از خود دور دارد به همه چیز دست می‌یابد. این چند چیز کارکردی دوگانه متقابل و متضاد هم دارد؛ یعنی هم می‌تواند عامل دوزخ رفتن آدمی‌شود و هم عامل بهشت رفتن او.

خداوند در آیه ۱۴ سوره آل عمران می‌فرماید: محبّت امور مادی، از زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا و نقره و اسب‌های ممتاز و چهارپایان و زراعت، در نظر مردم زیبا جلوه داده شده است (تا در پرتو آن، آزمایش و تربیت شوند؛ ولی) اینها (در صورتی که هدف نهایی آدمی را تشکیل دهند،) سرمایه زندگی پست (مادی) است؛ و سرانجام نیک (و زندگیِ والا و جاویدان)، نزد خداست.)

پس اگر انسان بتواند چشم خود را از محبت شهوانی و آزمندانه نسبت به این امور بشوید ، می‌تواند همین امور را به بهترین ابزار برای عمل صالحی در آورد که بهشت را برای آدمی می‌سازد؛ زیرا مهم‌ترین سد راه آدمی محبت افراطی نسبت به این امور است؛ پس اگر محبت شهوانی نسبت به این امور را از خود دور کند می‌تواند زن را به عنوان بهترین یار و یاور برای رسیدن به بهشت و حسنات و خیرات دنیا و آخرت قرار دهد؛ چنانکه علی(ع) در توصیف فاطمه زهرا(س) فرمود: نعم العون علی طاعه‌الله، او بهترین یاور در تقرب جویی به خداست. (بحار ج ۴۳ ص ۱۱۷)

همچنین دومین عامل یعنی پسران به جای آنکه عامل بدبختی و شقاوت ابدی او شود، می‌تواند عامل خوشبختی انسان شود؛ به شرطی که به خاطر پسران خویش دین و ایمان را کنار نگذارد و با تربیت و تادیب صحیح فرزند، او را به عنوان یکی از باقیات صالحات در آورد که بقای اعمال خیرش حتی پس از مرگش باشد؛ اما بسیاری از مردم توجهی ندارند که زن و فرزند مایه آزمایش آدمی است و خداوند به وسیله آنها انسان‌ها را می‌آزماید و بسیاری از مردم در این آزمون و ابتلاء و فتنه مردود می‌شوند.

سومین عامل بدبختی یا خوشبختی، زر و سیم است که اگرمحبت آنها از دل برود، همانها با انجام خیرات و نیکی و احسان و انفاق، می‌تواند عامل خوشبختی شود و انسان با ساخت‌وسازی که از پول در کارهای عام‌المنفعه انجام می‌دهد، قادر خواهد بود برای خود باقیات صالحاتی ذخیره کند و پس از مرگش از آنها بهره‌مند شود.

اسب‌های رهوار و گله‌های گاو و گوسفند و شتر و مانند آنها نیز عامل بدبختی و خوشبختی آدمی می‌شود و همچنین کشت و زرع که آدمی را به خود مشغول می‌کند و باغ و بوستانی که دل را از یاد خدا بیرون می‌برد و شخص، حاضر به انفاق از میوه و محصولات کشاورزی خود نمی‌شود.

در یک کلمه می‌توان گفت مهم‌ترین عوامل بدبختی و خوشبختی انسان سه چیز یعنی زن و فرزند و مال در همه اقسام و انواع آن است. از این رو، خداوند می‌فرماید: مال و پسران زیور زندگی دنیایند و نیکی‌های ماندگار از نظر پاداش نزد پروردگارت بهتر و از نظر امید [نیز] بهتر است.(کهف، آیه ۴۶)

و نیز می‌فرماید:اموال شما و فرزندانتان صرفاً [وسیله] آزمایشی [برای شما] هستند و خداست که نزد او پاداشی بزرگ است. (التغابن، آیه ۱۵)

البته از نظر قرآن برخی از فرزندان نه تنها وسیله آزمون برای آدمی هستند، بلکه در کنار برخی از زنان بلای جان آدمی و دشمن او نیز بشمار می‌روند؛ یعنی برخی از زنان و فرزندان به عنوان دشمن شیرین مطرح هستند و انسان همانند عسل زهرآگین شیرین آن را می‌نوشد و خودش را به هلاکت می‌افکند.

خداوند در آیه ۱۴ همین سوره تغابن می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بعضی از همسران و فرزندانتان دشمنان شما هستند، از آنها برحذر باشید؛ و اگر عفو کنید و چشم بپوشید و ببخشید، (خدا شما را می‌بخشد)؛ چرا که خداوند بخشنده و مهربان است!

بنابراین اگر انسان بتواند از محبت شهوانی و آزمندانه به این امور یعنی زن و فرزند و مال رهایی یابد و عاقلانه و خردمندانه رفتار کند، همین ابزارهای آزمایش و زیور و زینت زندگی دنیا برای انسان باقیات صالحات و ابزار سعادت و خوشبختی ابدی می‌شود.

پس تنها کاری که باید انسان انجام دهد، رهایی از محبت شهوانی است؛ نه اصل محبت. در این صورت است که وقتی به او می‌گویند فرزند را برای مبارزه و جهاد بفرست می‌فرستد و از زر و سیم به محرومان و سائلان و نیازمندان می‌دهد و در کارهای خیر و انفاق و زکات و خمس هزینه می‌کند.

حسین صدرایی

چراغ راه

شاخص سعادتمندی، غلبه بر هوای نفس است

قال‌الامام‌علی(ع): «طوبی لمن غلب نفسه و لم تغلبه، و ملک هواه و لم تملکه»

امام علی(ع) فرمود: سعادتمند کسی است که همواره بر نفس خود غالب باشد، و نفسش بر او مسلط نگردد، او مالک هوا و تمایلات خود باشد و هوای نفس بر او حکومت نکند.[1]

۱- فهرست غررالحکم و دررالکلم، ص ۴۲۷

حکایت خوبان

چه کسی آمرزیده نمی‌شود؟

حضرت محمد(ص) فرمود: خداوند متعال، گنهکاران را می‌آمرزد، مگر کسی را که خودش نخواهد آمرزیده شود! از ایشان پرسیدند: ای پیامبر خدا! چه کسی خواهان آن است که آمرزیده نشود؟ رسول‌الله(ص) پاسخ دادند: کسی که از خداوند طلب آمرزش نمی‌کند![1]

ولیدبن‌عقبه هجری می‌گوید: از امام باقر(ع) شنیدم که می‌فرمود: به خدا سوگند! هیچ بنده مومنی در حاجتش به خدا اصرار نکرد، مگر اینکه خداوند حاجت او را روا می‌کند.[2]

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۲۲
۲- الکافی، ج ۲، ص ۴۷۵

پرسش و پاسخ

موانع استجابت دعا

پرسش:

چرا برخی مواقع دعاهای بعضی از افراد مورد استجابت خدای متعال قرار نمی‌گیرد؟

پاسخ:

هر عبادت و دعایی که با قصد قربت انجام شود و با خلوص نیت و شرایط لازم انجام گیرد، در همان لحظه به اجابت می‌رسد و اثر معنوی خود را بر روح و جان انسان می‌گذارد. امام سجاد(ع) می‌فرماید: دعای مومن از سه حال خارج نیست. یا برایش ذخیره می‌گردد، یا در دنیا برآورده می‌شود، یا بلایی را که می‌خواهد به او برسد دفع می‌کند.(میزان الحکمه، ج ۴، ح۵۷۲۳)

طبیعی است هر خواسته‌ای باید براساس نظام علل و اسباب از مسیر مقتضی خودش انجام گیرد. یعنی با مراعات شرایط و آداب دعا و رفع موانع دعاهای ما مستجاب خواهد شد، اما در پاسخ به سوال اصلی موانع استجابت دعا بسیار است که در اینجا به اهم آنها به نحو اجمال اشاره می‌کنیم.

۱- گناهان

امام باقر(ع) می‌فرماید: بنده حاجتی از خدا طلب می‌کند و مقرر می‌شود آن حاجت در زمانی برآورده شود پس در این فاصله او گناهی مرتکب می‌شود و در نتیجه خداوند می‌فرماید: حاجت این بنده برآورده نشود و از آن محروم شود. چون او خشم و غضب مرا برانگیخت و همین باعث محروم شدن او است. (ارشاد القلوب، ج ۱، ص۱۴۹)

۲- ترک امر به معروف و نهی از منکر

پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمود: اگر امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنید، بدترین شما بر شما چیره خواهند شد، آنگاه نیکان شما دست به دعا برمی‌دارند ولی اجابت نمی‌شود.(امالی صدوق، ص۳۰۸)

۳- لقمه حرام

استفاده از درآمد حلال یکی از شرایط اجابت دعا است. لذا اگر کسی از لقمه حرام ارتزاق کند برحسب روایت تا ۴۰ روز دعاهای او مستجاب نمی‌شود.(بحارالانوار، ج ۶۳، ص۳۱۴)

۴- قساوت و سنگدلی

انسان‌های بی‌رحم و سنگدل اگر دعایی هم بکنند مورد اجابت قرار نمی‌گیرد. امام صادق(ع) می‌فرماید: دعایی که از قلب قسی برخاسته باشد مورد اجابت قرار نمی‌گیرد.(میزان الحکمه، ج ۳، ص ۸۷۵)

۵- غفلت قلب

مادامی که انسان باور قلبی نداشته باشد که همه نظام هستی در ید قدرت خدا است و تنها موثر در عالم فقط خدای متعال است، دعاهای او به استجابت نمی‌رسد، پیامبر گرامی (ص) می‌فرماید: بدانید که خداوند دعایی را که از قلب غافل برخاسته باشد، مورد قبول و استجابت قرار نمی‌دهد.(همان،ج۲، ص۸۷۵)

۶- تضاد با حکمت الهی

خدای متعال براساس نظام علل و اسباب و حکمت خود عالم هستی را اداره می‌کند، بنابراین استجابت دعا باید از مسیر قوانین و سنن الهی جریان یابد. طبیعی است اگر دعایی نقض کننده این قوانین و سنن الهی باشد، هیچگاه مستجاب نمی‌شود. امام علی(ع) می‌فرماید: خداوند سبحان حکمت خویش را نقض نمی‌کند بنابراین هر دعایی را مستجاب نمی‌سازد. (همان، ج۲، ص ۸۷۴)

۷- عدم مصلحت

گاهی انسان دعاها و خواسته‌هایی از خدا دارد که اجابت آنها به نفع او نیست، و این به خاطر جهل و محدودیت‌های علمی است که انسان‌ها دارند و اشراف و احاطه کامل به همه مصالح و مفاسد امور خود ندارند. این مطلب در سوره بقره آیه ۲۱۶ آمده است که: چه بسا چیزی را شما خوش نداشته باشید و مطلوب شما نباشد درحالی که خیر و صلاح شما در آن است و یا (بالعکس) چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شروف شما در آن است»

۸- نگفتن بسم‌الله

پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: دعایی که با بسم‌الله الرحمن الرحیم آغاز گردد رد نمی‌شود» (میزان الحکمه، ح ۵۶۲۰) مفهوم این سخن آن است که اگر دعا با بسم‌الله شروع نشود ممکن است مورد استجابت خدا قرار نگیرد. در روایتی دیگر صلوات بر پیامبر(ص) نیز در ابتدا و انتهای دعا مورد تاکید قرار گرفته است. در مجموع موارد دیگری نیز وجود دارد مانند: نداشتن اخلاص و تضرع و عجله نداشتن و اعتراف به گناه و... که به همین موارد بسنده می‌کنیم.

سلوک عارفانه

نتیجه مجاهدت سالک در راه خدا

(بدان ای سالک راه خدا!) خداوند می‌فرماید: «الذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا» (عنکبوت-۶۹)

آنانکه در راه ما مجاهده کنند، خلوص نیت بورزند، اخلاص داشته باشند، ما از یک راه‌های غیبی هدایتشان می‌کنیم. نور به آنها می‌دهیم، حکمت به آنها می‌دهیم، تا حقایق زندگی را خوب درک کنند، خوب بفهمند تا فکرشان بازتر بشود.[1]

۱- شناخت، شهید مرتضی مطهری(ره)، ص ۴۷

صفحه معارف روزهای: شنبه ،یک‌شنبه سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۴۱۹۹۱ - ۳۵۲۰۲۲۲۱
Maaref@kayhan.ir